

الأربعون النووية

تأليف

الأمام أبي زكريا يحيى بن شرف النووي

ترجمة

إسحاق دبيري



FARSI
فارسي



فہرست مطالب

حدیث (۱) ◀ ۶	حدیث (۱۱) ◀ ۱۵	حدیث (۲۱) ◀ ۲۰	حدیث (۳۱) ◀ ۳۰
حدیث (۲) ◀ ۶	حدیث (۱۲) ◀ ۱۵	حدیث (۲۲) ◀ ۲۱	حدیث (۳۲) ◀ ۳۱
حدیث (۳) ◀ ۹	حدیث (۱۳) ◀ ۱۶	حدیث (۲۳) ◀ ۲۱	حدیث (۳۳) ◀ ۳۱
حدیث (۴) ◀ ۹	حدیث (۱۴) ◀ ۱۶	حدیث (۲۴) ◀ ۲۲	حدیث (۳۴) ◀ ۳۲
حدیث (۵) ◀ ۱۱	حدیث (۱۵) ◀ ۱۷	حدیث (۲۵) ◀ ۲۴	حدیث (۳۵) ◀ ۳۲
حدیث (۶) ◀ ۱۱	حدیث (۱۶) ◀ ۱۷	حدیث (۲۶) ◀ ۲۵	حدیث (۳۶) ◀ ۳۳
حدیث (۷) ◀ ۱۲	حدیث (۱۷) ◀ ۱۸	حدیث (۲۷) ◀ ۲۶	حدیث (۳۷) ◀ ۳۴
حدیث (۸) ◀ ۱۳	حدیث (۱۸) ◀ ۱۸	حدیث (۲۸) ◀ ۲۷	حدیث (۳۸) ◀ ۳۵
حدیث (۹) ◀ ۱۳	حدیث (۱۹) ◀ ۱۹	حدیث (۲۹) ◀ ۲۸	حدیث (۳۹) ◀ ۳۶
حدیث (۱۰) ◀ ۱۴	حدیث (۲۰) ◀ ۲۰	حدیث (۳۰) ◀ ۳۰	حدیث (۴۰) ◀ ۳۷
			حدیث (۴۱) ◀ ۳۷
			حدیث (۴۲) ◀ ۳۸



مقدمه مترجم

الحمد لله رب العالمين قيوم السموات والأرضين، مدبر الخلائق أجمعين
وصلوات الله وسلامه على نبينا محمد وسائر الأنبياء والمرسلين وآل كل وسائر
الصحابة أجمعين ومن تبعهم بإحسان إلى يوم الدين أما بعد:

کتاب حاضر شامل چهل و دو حدیث می‌باشد. هر حدیثی از این احادیث،
قاعده بزرگی از قواعد اسلام به شمار می‌رود و علما گفته‌اند که مدار کلی
اسلام، یا نصف، یا یک سوم اسلام بر این احادیث استوار است، ناگفته نماند که
امام نووی رحمته الله علیه بر خود لازم دانست که بیشتر احادیث این کتاب را از معتبرترین
و صحیح‌ترین آنها برگزیند. همچنین یادآور شویم که اسناد احادیث، حذف شده
تا حفظ کردن آنها آسان شود و فایده آن به همگان برسد. بنابراین هرکس
پیروزی و کامیابی آخرت را می‌خواهد بایستی احادیثی که در برگیرنده امور
مهم دین و طاعات است را بداند و به آن عمل کند. امید است خداوند ترجمه
این کتاب را فقط برای رضا و خشنودی خود بداند و نیز پسند خاطر خوانندگان
محترم واقع شود تا ما را از دعای خیر بی‌بهره نسازند.

وصلی الله علی محمد وآله وصحبه.

اسحاق بن عبدالله دبیری



حدیث ۱

از امیرالمؤمنین ابی حفص عمر بن خطاب رضی الله عنه روایت است که گفت: شنیدم که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می فرمود: «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ وَإِنَّمَا لِكُلِّ امْرِئٍ مَا نَوَى، فَمَنْ كَانَتْ هِجْرَتُهُ إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ فَهَجْرَتُهُ إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ، وَمَنْ كَانَتْ هِجْرَتُهُ لِدُنْيَا يُصِيبُهَا أَوْ امْرَأَةٍ يَنْكِحُهَا فَهَجْرَتُهُ إِلَى مَا هَاجَرَ إِلَيْهِ»^(۱).

«همانا اعمال و کردار به نیت بستگی دارد، و هرکسی به اندازه نیتش از کردارش اجر و ثواب می برد. پس کسی که هجرت و انتقال او به مدینه به سوی خدا و پیامبر بوده باشد، این هجرت به سوی خدا و پیامبر اوست، و هرکس هجرتش به خاطر مال دنیا و یا به خاطر زنی باشد که بخوهد با او ازدواج کند، اهمیت هجرت او برابر با همین قصد و همت اوست.»

حدیث ۲

همچنین از عمر بن خطاب رضی الله عنه روایت است که گفت: «بَيْنَمَا مَخْنُ جُلُوسٍ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله ذَاتَ يَوْمٍ، إِذْ طَلَعَ عَلَيْنَا رَجُلٌ شَدِيدُ بَيَاضِ الثِّيَابِ، شَدِيدُ سَوَادِ الشَّعْرِ، لَا يَرَى عَلَيْهِ أَثَرَ السَّفَرِ، وَلَا يَعْرِفُهُ مِنَّا أَحَدٌ، حَتَّى جَلَسَ إِلَى النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله،

۱- رَوَاهُ إِمَامَا الْمُحَدِّثِينَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ الْمُغِيرَةَ بْنِ بَرْدِزْبَةَ الْبُخَارِيُّ وَأَبُو الْحُسَيْنِ مُسْلِمُ بْنُ الْحَجَّاجِ بْنِ مُسْلِمِ الْقُشَيْرِيِّ النَّيْسَابُورِيِّ فِي صَحِيحَيْهِمَا اللَّذَيْنِ هُمَا أَصْحَابُ الْكُتُبِ الْمُصَنَّفَةِ.





فَأَسْنَدَ رُكْبَتَيْهِ إِلَى رُكْبَتَيْهِ، وَوَضَعَ كَفَّيْهِ عَلَى فَخْذَيْهِ، وَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ، أَخْبِرْنِي عَنِ
 الْإِسْلَامِ. فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: الْإِسْلَامُ أَنْ تَشْهَدَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ
 اللَّهِ، وَتُقِيمَ الصَّلَاةَ، وَتُؤْتِيَ الزَّكَاةَ، وَتَصُومَ رَمَضَانَ، وَتَحُجَّ الْبَيْتَ إِنْ اسْتَطَعْتَ إِلَيْهِ
 سَبِيلًا. قَالَ: صَدَقْتَ، فَعَجِبْنَا لَهُ يَسْأَلُهُ وَيُصَدِّقُهُ. قَالَ: فَأَخْبِرْنِي عَنِ الْإِيمَانِ، قَالَ:
 أَنْ تُؤْمِنَ بِاللَّهِ، وَمَلَائِكَتِهِ، وَكُتُبِهِ، وَرُسُلِهِ، وَالْيَوْمِ الْآخِرِ، وَتُؤْمِنَ بِالْقَدَرِ خَيْرِهِ
 وَشَرِّهِ. قَالَ: صَدَقْتَ، قَالَ: فَأَخْبِرْنِي عَنِ الْإِحْسَانِ. قَالَ: أَنْ تَعْبُدَ اللَّهَ كَأَنَّكَ تَرَاهُ،
 فَإِنْ لَمْ تَكُنْ تَرَاهُ فَإِنَّهُ يَرَاكَ. قَالَ: فَأَخْبِرْنِي عَنِ السَّاعَةِ، قَالَ: مَا الْمَسْئُولُ عَنْهَا
 بِأَعْلَمَ مِنَ السَّائِلِ. قَالَ: فَأَخْبِرْنِي عَنْ أَمَارَاتِهَا، قَالَ: أَنْ تَلِدَ الْأُمَّةُ رَبَّتَهَا، وَأَنْ تَرَى
 الْحَفَاةَ الْعُرَاةَ الْعَالَةَ رِعَاءَ الشَّيْءِ يَتَطَاوَلُونَ فِي الْبُنْيَانِ. ثُمَّ انْطَلَقَ فَلَبِثْتُ مَلِيًّا ثُمَّ
 قَالَ: يَا عُمَرُ أَتَدْرِي مِنَ السَّائِلِ؟ قُلْتُ: اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ، قَالَ: فَإِنَّهُ جِبْرِيلُ أَتَاكُمْ
 يُعَلِّمُكُمْ دِينَكُمْ»^(۱).

«روزی ما نزد پیامبر اکرم ﷺ نشسته بودیم، مردی بر ما وارد شد که جامه او کاملاً سفید بود، و موهای سرش بسیار سیاه، کسی از ما او را نمی‌شناخت، و هیچ اثر سفر بر او نبود که بگوییم از جایی دور آمده است، تا این که نزد پیامبر ﷺ نشست و دو زانوی خود را به دو زانوی پیامبر ﷺ چسپاند، و دو دستش را بر دو ران آن حضرت ﷺ نهاد و گفت: ای محمد ﷺ مرا از اسلام خبر ده. پیامبر ﷺ در پاسخ فرمود: اسلام عبارت است از این که گواهی دهی و یقین داشته باشی، معبودی بحق جز خدای یکتا نیست، و اینکه محمد ﷺ فرستاده خداست، و نماز را بر پا بداری، و زکات بدهی، و روزه [ماه مبارک] رمضان بگیری، و حج خانه خدا کنی، اگر توانایی بدنی و مالی و توشه راه و وسیله‌ای





برای سفر داشته باشی. آن مرد گفت: راست گفتی. ما به شگفت آمدیم که از رسول اکرم ﷺ سؤال می‌کند [در حالی که سؤال، علامت ندانستن است] و تصدیق می‌نماید [در حالی که تصدیق نشانه دانستن است].

سپس گفت: پس مرا از ایمان خبر ده، حضرت فرمود: ایمان عبارت است از این که به یگانگی خدا ایمان بیاوری [در ذات و صفات و افعالش که هیچ شریکی ندارد]، و به فرشتگان خدا ایمان بیاوری [که پیام‌رسانان بین خدا و پیامبران هستند]، و به پیامبران خدا ایمان بیاوری [که برای راهنمایی بشر فرستاده شده‌اند]، و به روز قیامت ایمان بیاوری [و آنچه شامل آن می‌شود، از جزای اعمال و حساب و بهشت و دوزخ]، و به سرنوشت [یعنی تقدیر] ایمان بیاوری، و به خیر و شر آن ایمان بیاوری. آن مرد گفت: راست گفتی.

گفت: مرا از احسان و نیکوکاری خبر ده. فرمود: نیکوکاری عبارت است از اینکه چنان خدا را بندگی کنی گویا او را می‌بینی، و اگر تو او را نمی‌بینی، یقین بدار که او تو را می‌بیند.

گفت: مرا از روز قیامت خبر ده. فرمود: [در این مسئله] پرسیده شده دانایتر از پرسنده نیست. آن مرد گفت: پس مرا از نشانه‌های قیامت باخبر ساز. فرمود: آنکه کنیز آرایش را بزاید [یعنی مادران را خوار و حقیر شمارند و خود را آقای مادر بدانند]، و آنکه پا و تن برهنگان بینوا و چوپانِ گوسفندان را ببینی که به برافراشتن کاخ [و زیاده روی در ساختمان] پردازند. پس آن مرد رفت، و من چندی نشستم، و آن حضرت ﷺ فرمود: ای عمر، می‌دانی که سؤال کننده چه کسی بود؟ گفتم: خدا و رسول خدا بهتر دانند. فرمود: او جبرئیل علیه السلام بود، که آمده بود [تا با پرسش و پاسخ کردنش] دیتان را به شما بیاموزاند.»



حدیث ۳

از ابی عبدالرحمن عبدالله بن عمر بن خطاب رضی الله عنه روایت است که گفت: شنیدم رسول اکرم صلی الله علیه و آله می فرمود: «بُئِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى حَمْسٍ: شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، وَإِقَامِ الصَّلَاةِ، وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ، وَحَجِّ الْبَيْتِ، وَصَوْمِ رَمَضَانَ»^(۱).

«اسلام بر پنج قاعده بنا شده است: گواهی دادن به آنکه معبودی بحق جز خدای یکتا نیست، گواهی به آنکه حضرت محمد صلی الله علیه و آله پیامبر خداست، بر پا داشتن نماز، دادن زکات، حج خانه خدا، و روزه گرفتن در [ماه مبارک] رمضان».

حدیث ۴

از ابی عبدالرحمن عبدالله بن مسعود رضی الله عنه روایت است که گفت: پیامبر راستگو و راستگو دانسته شده به ما خبر داد که: «إِنَّ أَحَدَكُمْ يُجْمَعُ خَلْقُهُ فِي بَطْنِ أُمِّهِ أَرْبَعِينَ يَوْمًا نُظْفَةً، ثُمَّ يَكُونُ عَلَقَةً مِثْلَ ذَلِكَ، ثُمَّ يَكُونُ مُضْغَةً مِثْلَ ذَلِكَ، ثُمَّ يُرْسَلُ إِلَيْهِ الْمَلَكُ فَيَنْفُخُ فِيهِ الرُّوحَ وَيُؤَمَّرُ بِأَرْبَعِ كَلِمَاتٍ: بِكَلِمَةِ رِزْقِهِ، وَأَجَلِهِ، وَعَمَلِهِ، وَشَقِيٍّ أَوْ سَعِيدٍ. فَوَاللَّهِ الَّذِي لَا إِلَهَ غَيْرُهُ إِنْ أَحَدَكُمْ لَيَعْمَلُ بِعَمَلِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، حَتَّىٰ مَا يَكُونُ بَيْنَهُ وَبَيْنَهَا إِلَّا ذِرَاعٌ، فَيَسْبِقُ عَلَيْهِ الْكِتَابُ فَيَعْمَلُ بِعَمَلِ أَهْلِ النَّارِ فَيَدْخُلُهَا، وَإِنْ أَحَدَكُمْ لَيَعْمَلُ بِعَمَلِ أَهْلِ النَّارِ، حَتَّىٰ مَا يَكُونُ بَيْنَهُ وَبَيْنَهَا إِلَّا ذِرَاعٌ، فَيَسْبِقُ عَلَيْهِ

۱- رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَمُسْلِمٌ.



الْكِتَابُ فَيَعْمَلُ بِعَمَلِ أَهْلِ الْجَنَّةِ فَيَدْخُلُهَا»^(۱).

«در حقیقت، خلقت یکی از شما در شکم مادرش چنین انجام می‌گیرد: چهل روز به حالت نطفه است، پس از آن، به قدر همان زمان و مدت [یعنی چهل روز طول می‌کشد که] به پاره خونی تبدیل می‌شود، سپس به اندازه همان مدت و زمان به پاره گوشتی تبدیل می‌شود، سپس خدای تعالی به سوی او فرشته می‌فرستد تا روح در آن بدمد و فرشته به نوشتن چهار کلمه مأمور است: روزیش، مدت عمرش، کردار و رفتارش، و اینکه بدبخت یا نیکبخت است. پس سوگند به خدای که هیچ معبود بحقی غیر او نیست، همانا یکی از شما به کردار و رفتار اهل بهشت می‌پردازد تا آنکه میان او و رسیدن به بهشت، فاصله‌ای نمی‌ماند مگر یک ذرع [حدود یک متر]. در آن هنگام، سرنوشت و فرجام کردارش بر او پیشی می‌گیرد و به عمل مردم دوزخی می‌پردازد و پایان بد، سبب رفتنش به دوزخ می‌گردد، و همانا یکی از شما به کردار و رفتار اهل دوزخ می‌پردازد تا آنکه میان او و رسیدن به دوزخ، فاصله‌ای نمی‌ماند مگر یک ذرع. در آن هنگام، سرنوشت بر او پیشی می‌گیرد و به کردار بهشتیان و فرجام نیک می‌پردازد و سبب رفتنش به بهشت می‌شود».

۱- رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَمُسْلِمٌ.



حدیث ۵

از ام المؤمنین - ام عبدالله - عایشه رضی الله عنها روایت است که گفت: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «مَنْ أَحَدَثَ فِي أَمْرِنَا هَذَا مَا لَيْسَ مِنْهُ فَهُوَ رَدٌّ»^(۱). و در روایت دیگر: «مَنْ عَمِلَ عَمَلًا لَيْسَ عَلَيْهِ أَمْرُنَا فَهُوَ رَدٌّ».

در روایت بخاری: «کسی که در دین ما چیزی تازه و نو آورد، آن بدعت مردود است». در روایت مسلم: «هر کس کاری کند که برابر دستور ما نباشد، آن کار مردود است».

حدیث ۶

از ابو عبدالله نعمان بن بشیر رضی الله عنه روایت است که گفت: شنیدم پیامبر صلی الله علیه و آله می فرمود:

«إِنَّ الْحَلَالَ بَيِّنٌ، وَإِنَّ الْحَرَامَ بَيِّنٌ، وَبَيْنَهُمَا أُمُورٌ مُشْتَبِهَاتٌ لَا يَعْلَمُهُنَّ كَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ، فَمَنْ اتَّقَى الشُّبُهَاتِ فَقَدْ اسْتَبْرَأَ لِدِينِهِ وَعَرْضِهِ، وَمَنْ وَقَعَ فِي الشُّبُهَاتِ وَقَعَ فِي الْحَرَامِ، كَالرَّاعِي يَرْعَى حَوْلَ الْحِمَى يُوشِكُ أَنْ يَرْتَعَ فِيهِ، أَلَا وَإِنَّ لِكُلِّ مَلِكٍ حِمًى، أَلَا وَإِنَّ حِمَى اللَّهِ مَحَارِمُهُ، أَلَا وَإِنَّ فِي الْجَسَدِ مُضْغَةً، إِذَا صَلَحَتْ صَلَحَ الْجَسَدُ كُلُّهُ، وَإِذَا فَسَدَتْ فَسَدَ الْجَسَدُ كُلُّهُ، أَلَا وَهِيَ الْقَلْبُ»^(۲).

«محققاً حلال روشن و آشکار است، و محققاً حرام روشن و واضح است، و

۱- رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَمُسْلِمٌ.

۲- رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَمُسْلِمٌ.



درمیان حلال و حرام کارهایی است که به گونه‌ای شباهت به حلال یا حرام دارد و این کارهای همانند را بسیاری از مردم نمی‌دانند، پس کسی که خود را از همانندها ننگه داشت، به حقیقت از شک و شبهه دور گشته و دین و ناموس خود را حفظ کرده است، و کسی که در شک‌ها و گمان‌ها افتاد و از آنها پرهیز نکرد، در حرام می‌افتد؛ مانند چوپانی که شتران خود را در اطراف مکان حفاظت شده برای چرا آزاد می‌گذارد و در این حال، به چرا کردن در آن حریم نزدیک می‌شود. هان! بدانید که هر شاهی، حریمی دارد که مخصوص خود اوست. آگاه باشید که به یقین منطقه‌ای که خدا منع فرموده، از محرمات است. آگاه باشید که در بدن آدمی پاره گوشتی است که هر زمان به صلاح آمد و شایسته شد، تمام بدن شایسته می‌گردد، و هر زمان آن پاره گوشت، فاسد شد همه بدن به تباهی می‌رود. بدانید که آن پاره گوشت، قلب و دل آدمی است.»

حدیث ۷

از ابی‌رقیه تمیم بن اوس الداری رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود:
 «الدِّينُ النَّصِيحَةُ قُلْنَا: لِمَنْ؟ قَالَ: لِلَّهِ، وَلِكِتَابِهِ، وَلِرَسُولِهِ، وَلَا أُمَّةَ الْمُسْلِمِينَ وَعَامَّتِهِمْ»^(۱).
 «همه دین، سفارش و نصیحت است. گفتیم برای چه کسانی؟ فرمود: برای خدا و برای قرآن و برای پیغمبرش و پیشوایان و فرمانداران و حکام مسلمین، و برای همه مسلمانان.»

۱- رَوَاهُ مُسْلِمٌ.



حدیث ۸

از عبدالله بن عمر رضی الله عنهما روایت است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «أَمِرْتُ أَنْ أَقَاتِلَ النَّاسَ حَتَّى يَشْهَدُوا أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، وَيَقِيمُوا الصَّلَاةَ، وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ، فَإِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ عَصَمُوا مِنِّي دِمَاءَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ، إِلَّا بِحَقِّ الْإِسْلَامِ، وَحِسَابُهُمْ عَلَى اللَّهِ تَعَالَى»^(۱).

«مأمور شدم با مردم بجنگم تا آن که گواهی دهند که معبودی به حق جز خدای یکتا نیست، و آن که محمد پیغمبر خداست، و نماز را بر پا بدارند، و زکات بدهند، پس اگر اینها را انجام دادند خونها و اموال خود را از من نگهداشته‌اند، مگر به حق اسلام، و حساب آنها بر خدای تعالی است. حق اسلام، یعنی آنچه اسلام، کیفری بر آن ثابت نماید، مانند قصاص، و سنگسار کردن مرد زناکاری که زن داشته باشد و غیر آن».

حدیث ۹

از ابی هریره عبدالرحمن بن صخر رضی الله عنه روایت است که گفت شنیدم رسول الله صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «مَا نَهَيْتُكُمْ عَنْهُ فَاجْتَنِبُوهُ، وَمَا أَمَرْتُكُمْ بِهِ فَأَتُوا مِنْهُ مَا اسْتَطَعْتُمْ، فَإِنَّمَا أَهْلَكَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ كَثْرَةُ مَسَائِلِهِمْ وَاخْتِلَافُهُمْ عَلَى أَنْبِيَائِهِمْ»^(۲).

۱- رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَمُسْلِمٌ.

۲- رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَمُسْلِمٌ.



«از آنچه شما را از آن باز داشتیم دوری کنید، و آنچه شما را به آن امر کردم، انجام دهید تا آنجا که توانایی آن را دارید؛ زیرا به حقیقت، مردمی که پیش از شما بودند به هلاکت رسیدند، به خاطر سؤال و پرسش بسیارشان، و اختلاف نمودن و مخالفت با پیامبرانشان».

حدیث ۱۰

از ابی هریره رضی الله عنه روایت است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى طَيِّبٌ لَا يَقْبَلُ إِلَّا طَيِّبًا، وَإِنَّ اللَّهَ أَمَرَ الْمُؤْمِنِينَ بِمَا أَمَرَ بِهِ الْمُرْسَلِينَ، فَقَالَ تَعَالَى: ﴿يَأَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُّوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَأَعْمَلُوا صَالِحًا﴾ [المؤمنون: ۵۱]. وَقَالَ تَعَالَى: ﴿يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ﴾ [البقرة: ۱۷۲]. ثُمَّ ذَكَرَ الرَّجُلَ يُطِيلُ السَّفَرَ، أَشْعَثَ أَغْبَرَ، يَمُدُّ يَدَيْهِ إِلَى السَّمَاءِ: يَا رَبُّ، يَا رَبُّ، وَمَطْعَمُهُ حَرَامٌ، وَمَشْرَبُهُ حَرَامٌ، وَمَلْبَسُهُ حَرَامٌ، وَغُذِيَ بِالْحَرَامِ، فَأَنَّى يُسْتَجَابَ لَهُ!«^(۱).

«محققاً که خداوند پاک است و جز پاکیزه را نمی‌پذیرد، و به حقیقت که خدای تعالی به مؤمنان امر فرمود آن چه را به پیامبران امر فرموده که: «ای پیامبران از روزی‌های حلال و پاکیزه بخورید و عمل صالح انجام دهید»، و خداوند فرمود: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از نعمت‌های پاکیزه که به شما روزی داده‌ایم بخورید». سپس پیامبر از کسی یاد کرد که سفر خود را طولانی می‌کند و ژولیده موی و گرد آلود، دو دستش را به‌سوی آسمان بلند کرده، می‌گوید: "ای پروردگار من" در حالی که غذایش حرام، و آبش حرام، و

۱- رَوَاهُ مُسْلِمٌ.





پوشاکش حرام، و پرورش یافته به حرام است؛ با این حال، چگونه خداوند او را اجابت کند و دعایش را بپذیرد؟».

حدیث ۱۱

از ابو محمد حسن بن علی بن ابی طالب ریحانه پیامبر [پسر دختر پیامبر ﷺ] روایت است که گفت: «دَعَّ مَا يَرِيْبُكَ إِلَى مَا لَا يَرِيْبُكَ»^(۱).
از پیامبر ﷺ این جمله را حفظ نمودم: «آنچه تو را به شک اندازد، آن را رها کن و بگذار، و آنچه تو را به شک نمی اندازد بگیر».

حدیث ۱۲

از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که گفت پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: «مِنْ حُسْنِ إِسْلَامِ الْمَرْءِ تَرْكُهُ مَا لَا يَعْنِيهِ»^(۲).
«از خوبی های مسلمانی فرد است، ترک کردن آنچه را که نه مورد توجه اوست، نه به او ربط دارد و نه وابسته به کارش است».

۱- رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَالنَّسَائِيُّ، وَقَالَ التِّرْمِذِيُّ: حَدِيثٌ حَسَنٌ صَحِيحٌ.

۲- حَدِيثٌ حَسَنٌ، رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَغَيْرُهُ هَكَذَا.





حدیث ۱۳

از ابی حمزه انس بن مالک رضی الله عنه خادم رسول الله صلی الله علیه و آله روایت است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «لَا يُؤْمِنُ أَحَدَكُمْ حَتَّىٰ يُحِبَّ لِأَخِيهِ مَا يُحِبُّ لِنَفْسِهِ»^(۱).
«هیچیک از شما ایمان نیاورده است، تا اینکه دوست بدارد برای برادرش، آنچه که برای خودش دوست می‌دارد».

حدیث ۱۴

از عبدالله بن مسعود رضی الله عنه روایت است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «لَا يَجِلُّ دَمُ
أَمْرِي مُسْلِمٍ إِلَّا بِأَحَدِي ثَلَاثٍ: الثَّيْبُ الزَّانِي، وَالتَّنْفُسُ بِالتَّنْفِسِ، وَالتَّارِكُ لِدِينِهِ
الْمُقَارِقُ لِلْجَمَاعَةِ»^(۲).
«ریختن خون فرد مسلمان روا نمی‌شود مگر به سبب یک از این سه چیز:
بیوه زنی که زنا کند، کسی که دیگر را بکشد، و کسی که دینش را ترک کرده و
از جماعت مؤمنان جدا شود».

۱- رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَمُسْلِمٌ.

۲- رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَمُسْلِمٌ.



حدیث ۱۵

از ابی هریره رضی الله عنه روایت است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيَقُلْ خَيْرًا أَوْ لِيَصْمُتْ، وَمَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيُكْرِمْ جَارَهُ، وَمَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيُكْرِمْ صَيفَهُ»^(۱).

«کسی که ایمان به خدا و روز قیامت دارد، باید سخن نیک بگوید، یا خاموش و ساکت شود، و کسی که ایمان به خدا و روز قیامت دارد، باید همسایه خود را گرامی بدارد، و کسی که ایمان به خدا و روز قیامت دارد، مهمان نوازی کند».

حدیث ۱۶

از ابی هریره رضی الله عنه روایت است که: «لَا تَغْضَبْ، فَرَدَّدَ مِرَارًا، قَالَ: لَا تَغْضَبْ». «مردی به رسول اکرم صلی الله علیه و آله گفت: مرا نصیحت کن. آن حضرت صلی الله علیه و آله فرمود: خشم مگیر؛ و چند بار تکرار فرمود: خشم مگیر و غضب مکن».

۱- رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَمُسْلِمٌ.



حدیث ۱۷

از ابی علی شداد بن اوس رضی الله عنه روایت است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ كَتَبَ الْإِحْسَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ: فَإِذَا قَتَلْتُمْ فَأَحْسِنُوا الْقِتْلَةَ، وَإِذَا ذَبَحْتُمْ فَأَحْسِنُوا الذَّبْحَةَ، وَلِجِدِّ أَحَدِكُمْ شَفْرَتَهُ، وَلِوَيْحِ ذَبِيحَتِهِ»^(۱). (رَوَاهُ مُسْلِمٌ).

«همانا خدا نیکویی را درباره هر چیز واجب نموده است، پس هرگاه کشتید، کشتن را بر وجه نیکو انجام دهید، و هرگاه ذبح کردید، بر وجه نیکو ذبح کنید، چنان که یکی از شما کارد خود را تیز نماید، تا حیوانی را که برای کشتن آماده شده آسایش دهد.»

حدیث ۱۸

از ابی ذر جنذب بن جناده و ابی عبدالرحمن معاذ بن جبل رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «أَتَقِ اللَّهَ حَيْثَمَا كُنْتَ، وَأَتَّبِعِ السَّيِّئَةَ الْحَسَنَةَ تَمَحُّهَا، وَخَالِقِ النَّاسَ بِمُحَلِّقِ حَسَنٍ»^(۲).

«هر جا باشی از خدا بترس. بعد از بدی خوبی کن تا خوبی‌ها بدی‌ها را محو و نابود کند و با مردم خوش رفتار باش.»

۱- رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ.

۲- رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَقَالَ: حَدِيثٌ حَسَنٌ، وَفِي بَعْضِ النُّسخِ حَسَنٌ صَحِيحٌ.



حدیث ۱۹

از ابی عباس عبدالله بن عباس رضی الله عنهما روایت است که گفت: «كُنْتُ خَلْفَ النَّبِيِّ ﷺ يَوْمًا فَقَالَ لِي يَا غُلَامُ، إِنِّي أَعَلَّمْتُكَ كَلِمَاتٍ: أَحْفَظِ اللَّهَ يَحْفَظَكَ، أَحْفَظِ اللَّهَ تَجِدْهُ تُجَاهَكَ، إِذَا سَأَلْتَ فَاسْأَلِ اللَّهَ، وَإِذَا اسْتَعَنْتَ فَاسْتَعِنْ بِاللَّهِ، وَاعْلَمْ أَنَّ الْأُمَّةَ لَوِ اجْتَمَعَتْ عَلَىٰ أَنْ يَنْفَعُوكَ بِشَيْءٍ لَّمْ يَنْفَعُوكَ إِلَّا بِشَيْءٍ قَدْ كَتَبَهُ اللَّهُ لَكَ، وَإِنْ اجْتَمَعُوا عَلَىٰ أَنْ يَضُرُّوكَ بِشَيْءٍ لَّمْ يَضُرُّوكَ إِلَّا بِشَيْءٍ قَدْ كَتَبَهُ اللَّهُ عَلَيْكَ، رُفِعَتِ الْأَقْلَامُ وَجَفَّتِ الصُّحُفُ»^(۱).

و در روایتی غیر از روایت ترمذی آمده است: «أَحْفَظِ اللَّهَ تَجِدْهُ أَمَامَكَ، تَعْرِفْ إِلَى اللَّهِ فِي الرَّخَاءِ يَعْرِفَكَ فِي الشَّدَّةِ، وَاعْلَمْ أَنَّ مَا أَخْطَأَكَ لَمْ يَكُنْ لِيُصِيبَكَ، وَمَا أَصَابَكَ لَمْ يَكُنْ لِيُخْطِئَكَ، وَاعْلَمْ أَنَّ النَّصْرَ مَعَ الصَّبْرِ، وَأَنَّ الْفَرْجَ مَعَ الْكُرْبِ، وَأَنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا».

«روزی پشت سر پیامبر صلی الله علیه و آله بودم. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: ای جوان، من چند کلمه را به تو می آموزم: خدا را نگاه دار تا او تو را نگه دارد؛ به خدا روی آور تا او را در برابر خود بیابی؛ هرگاه خواهش و نیازی داری، از خدا بخواه؛ و هرگاه یاری و کمک خواستی، از خدا یاری بخواه؛ و این را یقین بدان که اگر همه امت جمع شوند تا به تو سودی رسانند نتوانند رسانند، مگر آنچه که خدا برای تو نوشته باشد؛ و اگر همه امت جمع شوند تا به تو زیانی برسانند نتوانند رسانند، مگر زیانی که خدا بر تو نوشته باشد؛ قلم های سرنوشت برداشته شده و نامه ها خشک گشتند. و در روایت دیگر: به خدا روی آور تا او را در برابر خود بیابی؛

۱- رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَقَالَ: حَدِيثٌ حَسَنٌ صَحِيحٌ.



خودت را در ناز و خوشی به خدا بشناسان تا خدا تو را در سختی و مشقت یاری کند؛ و این را یقین بدان که آن چه برای تو نبود، به تو نرسید؛ و آنچه برای تو بود، ممکن نیست به تو نرسد؛ و این را نیز بدان که یاری خدا همراه با صبر و شکیبایی است [اگر صبر پیشه سازی، خدا تو را یاری رساند] و همراه هر سختی، گشایشی است، و با هر دشواری، آسانی».

حدیث ۲۰

از ابی مسعود عقبه بن عمرو انصاری بدری رضی الله عنه روایت است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «إِنَّ مِمَّا أَدْرَكَ النَّاسُ مِنْ كَلَامِ التُّبَّوَّةِ الْأُولَى: إِذَا لَمْ تَسْتَجِ فَاصْنَعْ مَا شِئْتَ»^(۱).

«آنچه مردم از سخن پیامبران پیشین دریافتند: هرگاه شرم و حیا نداشتی، هرچه خواستی بکن».

حدیث ۲۱

از ابی عمرو گفته شده ابی عمره سفیان بن عبدالله ثقفی رضی الله عنه روایت است که گوید: «قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، قُلْ لِي فِي الْإِسْلَامِ قَوْلًا لَا أَسْأَلُ عَنْهُ أَحَدًا غَيْرَكَ، قَالَ: قُلْ آمَنْتُ بِاللَّهِ، ثُمَّ اسْتَقِمْ»^(۲).

۱- رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ.

۲- رَوَاهُ مُسْلِمٌ.





«عرض کردم: ای پیامبر خدا! از اسلام سخنی به من بگو که دیگر از کسی جز تو، درباره آن نپرسم. آن حضرت ﷺ فرمود: بگو ایمان به خدا آوردم، سپس بر ایمان خود استوار و پایدار باش.»

حدیث ۲۲

از ابی عبدالله جابر بن عبدالله انصاری رضی الله عنه روایت است که: «أَنَّ رَجُلًا سَأَلَ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ فَقَالَ: أَرَأَيْتَ إِذَا صَلَّيْتُ الْمَكْتُوبَاتِ، وَصُمْتُ رَمَضَانَ، وَأَحَلَلْتُ الْحَلَالَ، وَحَرَمْتُ الْحَرَامَ، وَلَمْ أَزِدْ عَلَى ذَلِكَ شَيْئًا، أَدْخُلُ الْجَنَّةَ؟ قَالَ: نَعَمْ»^(۱).

«مردی از رسول اکرم ﷺ پرسید: ببین اگر نمازهای فرض را بخوانم و روزه [ماه مبارک] رمضان را بگیرم و حلال را حلال بدانم [و آن را انجام دهم]، حرام را حرام بدانم [و از آن دوری کنم] و بر اینها چیزی دیگر نیفزایم، آیا داخل بهشت می شوم؟ رسول الله ﷺ فرمود: بلی.» این است معنی «حرمت الحرام». [از حرام دوری جستم]. و معنی: «أَحَلَلْتُ الْحَلَالَ»، «[فقط] حلال را حلال شمردم».

حدیث ۲۳

از ابی مالک حارث بن عاصم اشعری رضی الله عنه روایت است که رسول الله ﷺ فرمودند: «الطُّهُورُ شَطْرُ الْإِيمَانِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ تَمْلَأُ الْمِيزَانَ، وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ تَمْلَأَانِ - أَوْ تَمْلَأُ - مَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ، وَالصَّلَاةُ نُورٌ، وَالصَّدَقَةُ بُرْهَانٌ،

۱- رَوَاهُ مُسْلِمٌ.





وَالصَّبْرُ ضِيَاءٌ، وَالْقُرْآنُ حُجَّةٌ لَكَ أَوْ عَلَيْكَ، كُلُّ النَّاسِ يَعْدُو فَبَايِعْ نَفْسَهُ فَمُعْتَقُهَا
أَوْ مُؤَيِّقُهَا»^(۱).

«طهارت و پاکیزگی نیمی از ایمان است؛ و الحمدلله، ستایش خداست که ترازوی نیکی‌ها را پر می‌کند و سبحان الله و الحمدلله، میان آسمان و زمین را پر می‌کند؛ و نماز، نور و روشنایی است؛ و صدقه، دلیل ایمان داشتن است؛ و شکیبایی، فروغ و پرتو ایمان است؛ و قرآن، دلیلی است به سود تو یا مدرکی به زیان تو. همه مردم چون بامداد شود از خانه بیرون رفته و به تلاش و کوشش می‌پردازند، پس خود را به خدا فروخته و آزاد می‌کنند، یا خود را به هوا و هوس و مخالفت با خدا فروخته و هلاک می‌کنند».

حدیث ۲۴

از ابوذر غفاری رضی الله عنه روایت است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در حدیث قدسی از خداوند عز و جل روایت می‌کند که: «يَا عِبَادِي: اِنِّي حَرَمْتُ الظُّلْمَ عَلٰى نَفْسِي وَجَعَلْتُهُ بَيْنَكُمْ مُحَرَّمًا فَلَا تَظَالَمُوا. يَا عِبَادِي: كُلُّكُمْ ضَالٌّ اِلَّا مَنْ هَدَيْتُهُ فَاسْتَهْدُونِي اَهْدِكُمْ. يَا عِبَادِي: كُلُّكُمْ جَائِعٌ اِلَّا مَنْ اطْعَمْتُهُ، فَاسْتَطْعَمُونِي اطْعَمْكُمْ. يَا عِبَادِي: كُلُّكُمْ عَارٍ اِلَّا مَنْ كَسَوْتُهُ فَاسْتَكْسُونِي اَكْسُكُمْ. يَا عِبَادِي: اِنَّكُمْ تُخْطِئُونَ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، وَاَنَا اَعْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا، فَاسْتَغْفِرُونِي اَغْفِرْ لَكُمْ. يَا عِبَادِي: اِنَّكُمْ لَنْ تَبْلُغُوا ضُرِّي فَتَضْرُبُونِي، وَلَنْ تَبْلُغُوا نَفْعِي فَتَنْفَعُونِي. يَا عِبَادِي: لَوْ اَنَّ اَوْلَكُمْ وَاٰخِرَكُمْ وَاَنْسَكُمْ وَجَنَّكُمْ كَانُوا عَلٰى اَتَقٰى قَلْبِ رَجُلٍ وَّاحِدٍ

۱- رَوَاهُ مُسْلِمٌ.



مِنْكُمْ، مَا زَادَ ذَلِكَ فِي مُلْكِي شَيْئًا. يَا عِبَادِي: لَوْ أَنَّ أَوْلَكُمْ وَأَخْرُكُمْ وَإِنْسَكُمْ
 وَجَنَّتْكُمْ كَانُوا عَلَى أَفْجَرِ قَلْبٍ رَجُلٍ وَاحِدٍ مِنْكُمْ، مَا نَقَصَ ذَلِكَ مِنْ مُلْكِي شَيْئًا.
 يَا عِبَادِي: لَوْ أَنَّ أَوْلَكُمْ وَأَخْرُكُمْ وَإِنْسَكُمْ وَجَنَّتْكُمْ قَامُوا فِي صَعِيدٍ وَاحِدٍ،
 فَسَأَلُونِي، فَأَعْطَيْتُ كُلَّ وَاحِدٍ مَسْأَلَتَهُ، مَا نَقَصَ ذَلِكَ مِمَّا عِنْدِي إِلَّا كَمَا يَنْقُصُ
 الْمِخْيَطُ إِذَا أُدْخِلَ الْبَحْرَ. يَا عِبَادِي: إِنَّمَا هِيَ أَعْمَالُكُمْ أُحْصِيهَا لَكُمْ، ثُمَّ
 أُوقِفُكُمْ عَلَيْهَا، فَمَنْ وَجَدَ خَيْرًا فَلْيَحْمَدِ اللَّهَ، وَمَنْ وَجَدَ غَيْرَ ذَلِكَ فَلَا يُلُومَنَّ إِلَّا
 نَفْسَهُ»^(۱).

«ای بندگان من، ظلم و ستم را بر خود حرام نمودم و میان شما نیز آن را
 حرام کردم، پس به همدیگر ظلم و ستم نکنید. ای بندگان من، همه شما گمراه
 هستید مگر کسی که من او را هدایت نموده‌ام؛ پس از من راه راست بخواهید تا
 شما را به آن راهنمایی کنم. ای بندگان من، همه شما گرسنه‌اید مگر کسی که
 من او را غذا داده‌ام؛ پس از من غذا بخواهید تا شما را اطعام کنم. ای بندگان
 من، همه شما برهنه‌اید مگر کسی که من او را پوشانده‌ام؛ پس از من لباس
 بخواهید تا شما را بپوشانم. ای بندگان من، در حقیقت همه شما شب و روز
 خطا می‌کنید و من گناهان را می‌آموزم؛ پس از من آموزش بخواهید تا شما را
 بیاموزم. ای بندگان من، شما هرگز نمی‌توانید به من زیان برسانید، و هرگز
 نمی‌توانید به من فایده و سودی برسانید. ای بندگان من، اگر از نخستین شما تا
 آخرین شما و انس و جن شما، همه بر پرهیزگارتترین قلب باشید، مانند اینکه
 یک به یک شما پرهیزکار باشید، این تقوا و پرهیزکاری شما بر مُلک من

۱- رَوَاهُ مُسْلِمٌ.



نمی‌افزاید. ای بندگان من، اگر اول و آخرتان و انس و جن شما همه بر بدترین و ناپاک‌ترین قلب باشید، این بدی شما، از ملک من چیزی کم نخواهد کرد. ای بندگان من، اگر اولین فرد تا آخرین فردتان، از انس گرفته تا جن، همه در می‌دانی ایستاده و از من خواهش کنند و من به هر یک از شما آنچه خواهد بدهم، این خواهش و خواسته، از آنچه در نزد من است نمی‌کاهد؛ چنان که هرگاه سوزن به دریا فرو برده شود، کم نخواهد شد. ای بندگان من، این همان است که می‌بینید؛ درو شده‌ کردارتان است که برای شما به وفا و تمام می‌شمارم و به شما می‌رسانم. پس کسی که خوبی را یافت، باید خدا را ستایش کند، و کسی که غیر از آن یافت، نباید غیر خود دیگری را سرزنش نماید.»

حدیث ۲۵

از ابوذر رضی الله عنه روایت است که: «يَا رَسُولَ اللَّهِ، ذَهَبَ أَهْلُ الدُّثُورِ بِالْأَجْرِ، يُصَلُّونَ كَمَا نُصَلِّي، وَيَصُومُونَ كَمَا نَصُومُ، وَيَتَصَدَّقُونَ بِفُضُولِ أَمْوَالِهِمْ، قَالَ: أَوْلَيْسَ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ مَا تَصَدَّقُونَ؟ إِنَّ بِكُلِّ تَسْبِيحَةٍ صَدَقَةٌ، وَكُلِّ تَكْبِيرَةٍ صَدَقَةٌ، وَكُلِّ تَحْمِيدَةٍ صَدَقَةٌ، وَكُلِّ تَهْلِيلَةٍ صَدَقَةٌ، وَأَمْرٍ بِالْمَعْرُوفِ صَدَقَةٌ، وَنَهْيٍ عَنِ الْمُنْكَرِ صَدَقَةٌ، وَفِي بَعْضِ أَحَدِكُمْ صَدَقَةٌ. قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَيَّاتِي أَحَدَنَا شَهْوَتُهُ وَيَكُونُ لَهُ فِيهَا أَجْرٌ؟ قَالَ: أَرَأَيْتُمْ لَوْ وَضَعَهَا فِي حَرَامٍ، أَكَانَ عَلَيْهِ وَزْرٌ؟ فَكَذَلِكَ إِذَا وَضَعَهَا فِي الْحَلَالِ كَانَ لَهُ أَجْرٌ»^(۱).

«گروهی از صحابه رضی الله عنهم به پیامبر صلی الله علیه و آله گفتند: ای رسول خدا، صاحبان مال با

۱- رَوَاهُ مُسْلِمٌ.





پاداش‌ها رفتند و ثروتمندان همه ثواب‌ها را با خود بردند؛ نماز می‌خوانند چنان که ما نماز می‌خوانیم؛ روزه می‌گیرند چنان که ما روزه می‌گیریم و صدقه می‌دهند از بسیاری اموالشان. آن حضرت ﷺ فرمود: آیا چنین نیست که خداوند [ثواب] آنچه را که صدقه نمایید برای شما قرار داده است؟ شما در برابر هر «سبحان الله» گفتن صدقه‌ای دارید، و در برابر هر «الله أكبر» گفتن صدقه‌ای، و با هر «الحمد لله» گفتن صدقه‌ای، با هر «لا إله إلا الله» گفتن صدقه‌ای دارید، و در برابر هر امر به معروف و خویی کردن صدقه‌ای، در مقابل هر بازداشتن از منکر و زشتی صدقه‌ای دارید، و در نزدیکی یکی از شما با همسرش صدقه‌ای. یاران گفتند: ای رسول خدا، آیا وقتی یکی از ما شهوتش را فرو می‌نشانند، برای او در این کار اجر و پاداشی است؟ آن حضرت ﷺ فرمود: به من بگوئید اگر شهوت خود را در حرام می‌گذاشت آیا بر آن گناهی نبود؟ پس همچنان است که اگر شهوتش را در حلال بگذارد برای او اجر و پاداش است».

حدیث ۲۶

از ابی هریره رضی الله عنه روایت است که رسول اکرم ﷺ فرمود: «كُلُّ سَلَامِي مِنَ النَّاسِ عَلَيْهِ صَدَقَةٌ كُلَّ يَوْمٍ تَطْلُعُ فِيهِ الشَّمْسُ: تَعْدِلُ بَيْنَ اثْنَيْنِ صَدَقَةٌ، وَتُعِينُ الرَّجُلَ فِي دَابَّتِهِ فَتَحْمِلُهُ عَلَيْهَا أَوْ تَرْفَعُ لَهُ عَلَيْهَا مَتَاعَهُ صَدَقَةٌ، وَالْكَلِمَةُ الطَّيِّبَةُ صَدَقَةٌ، وَبِكُلِّ خَطْوَةٍ تَمْشِيهَا إِلَى الصَّلَاةِ صَدَقَةٌ، وَتُمِيطُ الْأَذَى عَنِ الطَّرِيقِ صَدَقَةٌ»^(۱).

«بر هر پیوندی از بدن مردم صدقه‌ای است. هر روزی در آن آفتاب بیرون

۱- رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَمُسْلِمٌ.





می‌آید و بین دو تن اصلاح و تعادل به وجود می‌آورد، برای تو صدقه‌ای است؛ و وقتی به فردی کمک می‌کنی تا بر چارپایش سوار شود یا بارش را بر آن بگذارد، برای تو صدقه‌ای است؛ و سخن و گفتار خوب برای تو صدقه‌ای است؛ و هرگامی که به سوی نماز برمی‌داری، برای تو صدقه‌ای است؛ و در آنچه از سر راه مردم بر میداری و دور می‌کنی تا به آنها آزار نرسد، برای تو صدقه‌ای است».

حدیث ۲۷

از نواس بن سمعان رضی الله عنه روایت است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «الْبِرُّ حُسْنُ الْخُلُقِ، وَالْإِثْمُ مَا حَاكَ فِي نَفْسِكَ وَكَرِهْتَ أَنْ يَطَّلِعَ عَلَيْهِ النَّاسُ»^(۱).
«نیکوکاری، خوش اخلاقی است و گناه، ناراحتی‌ای است که در دل پدید می‌آید و دوست نداری مردم از آن آگاه شوند».

و از وابسه بن معبد رضی الله عنه روایت است که گفت: «أَتَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فَقَالَ: جِئْتَ تَسْأَلُ عَنِ الْبِرِّ؟ قُلْتُ: نَعَمْ، قَالَ: اسْتَفْتِ قَلْبَكَ، الْبِرُّ مَا اِطْمَأَنَّتَ إِلَيْهِ النَّفْسُ وَاطْمَأَنَّ إِلَيْهِ الْقَلْبُ، وَالْإِثْمُ مَا حَاكَ فِي النَّفْسِ وَتَرَدَّدَ فِي الصَّدْرِ وَإِنْ أَفْتَاكَ النَّاسُ وَأَفْتَوْكَ»^(۲).

«به خدمت حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله آمدم، آن حضرت صلی الله علیه و آله فرمود: آمده‌ای که از نیکوکاری بپرسی؟ گفتم: بلی، فرمود: از دلت بپرس. نیکوکاری چیزی است که روح به سوی آن آرام گیرد و دل بر آن آسوده شود، و گناه چیزی است که در

۱- رَوَاهُ مُسْلِمٌ.

۲- حَدِيثٌ حَسَنٌ رَوَيْنَاهُ فِي مُسْنَدِي الْإِمَامَيْنِ أَحْمَدَ بْنِ حَنْبَلٍ وَالِدَارِمِيَّ بِإِسْنَادٍ حَسَنٍ.





دل خارشى پديد آورد و در سينه شك و ترديد ايجاد كند. اگر همه مردم بر خلاف احساس درون قلب تو فتوا دهند، تو به آن فتوا اعتماد مكن.»

حديث ۲۸

از ابى نجیح العرباض بن ساریه رضی الله عنه روایت است که گفت: «وَعَظَنَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَوْعِظَةً وَجِلَّتْ مِنْهَا الْقُلُوبُ، وَذَرَفَتْ مِنْهَا الْعُيُونُ، فَقُلْنَا: يَا رَسُولَ اللَّهِ كَأَنَّهَا مَوْعِظَةٌ مُودَعٌ، فَأَوْصِنَا، قَالَ: أُوصِيكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ ﻋَﻠَﻴْكُمْ، وَالسَّمْعِ وَالطَّاعَةِ وَإِنْ تَأَمَّرَ عَلَيْكُمْ عَبْدٌ، فَإِنَّهُ مَنْ يَعْشَ مِنْكُمْ فَيَسِيرَى اخْتِلَافًا كَثِيرًا، فَعَلَيْكُمْ بِسُنَّتِي وَسُنَّةِ الْخُلَفَاءِ الرَّاشِدِينَ الْمَهْدِيِّينَ، عَضُّوا عَلَيْهَا بِالتَّوَاجِذِ، وَإِيَّاكُمْ وَمُحَدَّثَاتِ الْأُمُورِ، فَإِنَّ كُلَّ مُحَدَّثَةٍ بِدْعَةٌ، وَكُلُّ بِدْعَةٍ ضَلَالَةٌ، وَكُلُّ ضَلَالَةٍ فِي النَّارِ»^(۱).

«رسول اکرم ﷺ ما را پند داد، پندی که دل‌ها از آن ترسید و چشم‌ها را اشک آورد. گفتیم: ای رسول خدا، چنین می‌نماید که این پند وداعی است، پس ما را سفارش ده، آن حضرت ﷺ فرمود: شما را به ترس از خدای ﻋَﻠَﻴْكُمْ و فرمانبرداری از امیرم [یعنی فرماندار یا رئیسی که منصوب کرده‌ام] سفارش می‌کنم اگر چه برده‌ای بر شما امیر شود، زیرا کسی که از شما باقی بماند و عمری طولانی کند، اختلاف بسیاری خواهد دید. شما را به گرفتن [پیروی] راه من و راه خلفای راشدین - که هدایت شده‌اند - تشویق می‌کنم؛ این سفارش را با بن دندان عقل خود بگیرید؛ و شما را از راه‌های نو و جدید که برابر با راه من و خلفا نیست

۱- رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ وَالتِّرْمِذِيُّ وَقَالَ: حَدِيثٌ حَسَنٌ صَحِيحٌ.





برحذر می‌دارم، زیرا هر نو و جدیدی [در دین] بدعت است، و هر بدعت، گمراهی است، و هر گمراهی، در آتش جهنم».

حدیث ۲۹

از معاذ بن جبل رضی الله عنه روایت است که: گفتم ای رسول خدا، «أَخْبِرْنِي بِعَمَلٍ يُدْخِلُنِي الْجَنَّةَ، وَيُبَاعِدُنِي عَنِ النَّارِ، قَالَ: لَقَدْ سَأَلْتَ عَنْ عَظِيمٍ، وَإِنَّهُ لَيْسِيرٌ عَلَيَّ مَنْ يَسِرَهُ اللَّهُ تَعَالَى عَلَيْهِ: تَعْبُدُ اللَّهَ لَا تُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا، وَتُقِيمُ الصَّلَاةَ، وَتُؤْتِي الزَّكَاةَ، وَتَصُومُ رَمَضَانَ، وَتَحُجُّ الْبَيْتَ. ثُمَّ قَالَ: أَلَا أَدُلُّكَ عَلَىٰ أَبْوَابِ الْخَيْرِ: الصَّوْمُ جُنَّةٌ، وَالصَّدَقَةُ تُطْفِئُ الْحَطِيئَةَ كَمَا يُطْفِئُ الْمَاءُ النَّارَ، وَصَلَاةُ الرَّجُلِ فِي جَوْفِ اللَّيْلِ، ثُمَّ تَلَا: ﴿تَتَجَافَىٰ جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ﴾ [السجدة: ۱۶]. حَتَّىٰ بَلَغَ ﴿يَعْمَلُونَ﴾. ثُمَّ قَالَ: أَلَا أُخْبِرُكَ بِرَأْسِ الْأَمْرِ وَعَمُودِهِ وَذُرُورَةٍ سَنَامِهِ؟ قُلْتُ: بَلَىٰ يَا رَسُولَ اللَّهِ. قَالَ: رَأْسُ الْأَمْرِ الْإِسْلَامُ، وَعَمُودُهُ الصَّلَاةُ، وَذُرُورَةُ سَنَامِهِ الْجِهَادُ. ثُمَّ قَالَ: أَلَا أُخْبِرُكَ بِمَلَاكٍ ذَلِكَ كَلْمُهُ؟ قُلْتُ: بَلَىٰ يَا رَسُولَ اللَّهِ، فَأَخَذَ بِلِسَانِهِ وَقَالَ: كَفَّ عَنكَ هَذَا. قُلْتُ: يَا نَبِيَّ اللَّهِ، وَإِنَّا لَمُؤَاخِدُونَ بِمَا نَتَكَلَّمُ بِهِ؟ فَقَالَ: ثَقَلْتِكَ أُمُّكَ يَا مُعَاذُ، وَهَلْ يَكُفُّ النَّاسَ فِي النَّارِ عَلَيَّ وَجُوهَهُمْ - أَوْ قَالَ: عَلَيَّ مَنَآخِرِهِمْ - إِلَّا حَصَائِدُ أَلْسِنَتِهِمْ؟»^(۱).

«از کارهایی آگاهم کن که مرا به بهشت داخل کند و از دوزخ دور گرداند. آن حضرت صلی الله علیه و آله فرمود: در حقیقت از چیز بسیار بزرگی پرسیدی و آسان است بر کسی که خدای تعالی برای او آن کار را آسان سازد، و آن هم عبارت است از

۱- رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَقَالَ: حَدِيثٌ حَسَنٌ صَحِيحٌ.





این که: بندگی کنی خدای یکتا را و هیچ چیز برای او شریک قرار ندهی، و نماز را بر پا داری، و زکات بدهی، روزه [ماه مبارک] رمضان را بگیری، و حج خانه خدا بروی، سپس فرمود: آیا تو را از همه درهای خیر آگاه نسازم؟ روزه سپری است که از روزه دار محافظت می‌کند، و صدقه، آتش گناه و خطاها را خاموش می‌سازد، چنانکه آب آتش را خاموش می‌کند، و نماز شخص در دل شب‌ها. سپس این آیه را تلاوت فرمود: «پهلوهایشان از بستریهایشان دور می‌شود»، تا اینکه به ﴿يَعْمَلُونَ﴾ رسید. پس از آن فرمود: آیا تو را از سرآمد کارها و بالاترین کوهان آن با خبر نکنم؟ گفتم: بلی ای رسول خدا، مرا با خبر کن. فرمود: سرآمد کارها اسلام است، و ستون اسلام نماز، و بالاترین کوهان آن جهاد در راه خداست. سپس فرمود: آیا تو را از سر رشته همه اینها خبر دهم؟ گفتم: بلی ای رسول خدا، مرا خبر ده. آن حضرت زبان خود را گرفت و فرمود: این را نگه‌دار. گفتم: ای پیامبر خدا، آیا ما به آنچه می‌گوییم، مورد بازخواست قرار خواهیم گرفت؟ آن حضرت ﷺ فرمود: مادرت به عزایت بنشیند، [خداوند] مردم را بر روهایشان - یا اینکه فرمود بر بینی‌هایشان - در آتش می‌اندازد، مگر [فقط به خاطر] سخنان یاوه، بیهوده و درو شده زبان‌هایشان».





حدیث ۳۰

از ابی ثعلبه الخشی جرثوم بن ناشر رضی الله عنه روایت است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى فَرَضَ فَرَائِضَ فَلَا تُضَيِّعُوهَا، وَحَدَّ حُدُودًا فَلَا تَعْتَدُوهَا، وَحَرَّمَ أَشْيَاءَ فَلَا تَنْتَهِكُوهَا، وَسَكَتَ عَنِ أَشْيَاءَ رَحْمَةً لَكُمْ غَيْرَ نِسْيَانٍ فَلَا تَبْحَثُوا عَنْهَا»^(۱).

«خداوند متعال فریضه‌هایی را واجب نموده است، پس آنها را ضایع نکنید و از کارهایی منع فرموده و برای آنها حدودی [مرزها و محرماتی] معین کرده است، پس از آنها پا فراتر مگذارید، و چیزهایی را حرام نموده است، پس به حرمت و حرام بودن آن احترام بگذارید، و درباره چیزهای دیگری سکوت کرده به خاطر مهربانی به شما نه از روی فراموشی، پس آنها را جستجو نکنید.»

حدیث ۳۱

از ابی عباس سهل بن سعد ساعدی رضی الله عنه روایت است که: «جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ دُلَّنِي عَلَى عَمَلٍ إِذَا عَمِلْتُهُ أَحَبَّنِي اللَّهُ، وَأَحَبَّنِي النَّاسُ. فَقَالَ: ارْزُقْ فِي الدُّنْيَا يُحِبَّكَ اللَّهُ، وَارْزُقْ فِيمَا عِنْدَ النَّاسِ يُحِبُّكَ النَّاسُ»^(۲).

«مردی نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمد و گفت: ای رسول خدا، مرا به کاری راهنمایی کن که هرگاه آن را انجام دهم خداوند مرا دوست بدارد، و مردم نیز مرا دوست بدارند. آن حضرت صلی الله علیه و آله فرمود: دل به دنیا مبند و از آن روی بگردان تا خدا تو را

۱- حَدِيثٌ حَسَنٌ رَوَاهُ الدَّارِقُطَنِيُّ وَعَيْبَةُ.

۲- رَوَاهُ ابْنُ مَاجَهَ وَعَيْبَةُ بِأَسَانِيدٍ حَسَنَةٍ.





دوست بدارد، و به آنچه نزد مردم است بی‌میل باش و از آن روی بگردان تا مردم تو را دوست بدانند.»

حدیث ۳۲

از ابی‌سعید سعد بن مالک بن سنان خدری رضی الله عنه روایت است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «لَا ضَرَرَ وَلَا ضِرَارَ»^(۱).
«نه به خود زیان برسان و نه به دیگران». [یعنی دین مبین اسلام بر پایه مصلحت و منفعت بنا شده است و ضرر زدن به دیگران را منع کرده است].

حدیث ۳۳

از ابن عباس رضی الله عنهما روایت است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «لَوْ يُعْطَى النَّاسُ بِدَعْوَاهُمْ، لَادَّعَى رِجَالٌ أَمْوَالَ قَوْمٍ وَدِمَاءَهُمْ، لَكِنَّ الْبَيِّنَةَ عَلَى الْمُدَّعِي، وَالْيَمِينُ عَلَى مَنْ أَنْكَرَ»^(۲).
«اگر مردم به مجرد ادعایشان [و همین که ادعای چیزی می‌کردند] به آنها داده می‌شد، هر آینه برخی ادعای اموال و خون برخی دیگر می‌کردند، ولی مدعی باید دلیل و مدرک بیاورد، و انکار کننده باید سوگند بخورد».

۱- حَدِيثٌ حَسَنٌ، رَوَاهُ ابْنُ مَاجَهَ وَالِدَارَقُطْنِيُّ وَغَيْرُهُمَا مُسْنَدًا، وَرَوَاهُ مَالِكٌ فِي الْمَوْطَأِ مُرْسَلًا عَنْ عَمْرِو بْنِ يَحْيَى عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله، فَأَسْقَطَ أَبُو سَعِيدٍ، وَلَهُ طُرُقٌ يَمُوتِي بَعْضُهَا بَعْضًا.

۲- حَدِيثٌ حَسَنٌ، رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ وَغَيْرُهُ هَكَذَا وَبَعْضُهُ فِي الصَّحِيحَيْنِ.





حدیث ۳۴

از ابی سعید خدری رضی الله عنه روایت است که گفت: از رسول اکرم صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمودند: «مَنْ رَأَى مِنْكُمْ مُنْكَرًا فَلْيُغَيِّرْهُ بِيَدِهِ، فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَبِلِسَانِهِ، فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَبِقَلْبِهِ، وَذَلِكَ أَضْعَفُ الْإِيمَانِ»^(۱).

«کسی که از شما کار زشتی را دید باید آن را با دست خود تغییر دهد؛ اگر نتوانست با دست تغییر دهد، با زبان و گفتار خود تغییر دهد؛ اگر نتوانست با زبان تغییر دهد، با دل خود آن را انکار کند و این مرحله [یعنی انکار به وسیله دل] ضعیف‌ترین [و کمترین نمود] ایمان است».

حدیث ۳۵

از ابی هریره رضی الله عنه روایت است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «لَا تَحَاسَدُوا، وَلَا تَنَاجَشُوا، وَلَا تَبَاغَضُوا، وَلَا تَدَابَرُوا، وَلَا يَبِعْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ، وَكُونُوا عِبَادَ اللَّهِ إِخْوَانًا، الْمُسْلِمُ أَخُو الْمُسْلِمِ: لَا يَظْلِمُهُ، وَلَا يَخْذُلُهُ، وَلَا يَكْذِبُهُ، وَلَا يَحْقِرُهُ، التَّقْوَى هَهُنَا - وَيُشِيرُ إِلَى صَدْرِهِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ - بِحَسْبِ امْرِئٍ مِنَ الشَّرِّ أَنْ يَحْقِرَ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ، كُلُّ الْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ حَرَامٌ: دَمُهُ، وَمَالُهُ، وَعَرَضُهُ»^(۲).

«شما مسلمانان به یکدیگر حسد نورزید؛ به زیان یکدیگر سازش نکنید؛ و به یکدیگر بغض و کینه نورزید؛ و به همدیگر پشت نکنید؛ و هیچ یک از شما بر

۱- رَوَاهُ مُسْلِمٌ.

۲- رَوَاهُ مُسْلِمٌ.





فروش دیگری نفروشد؛ بندگان خدا و برادران همدیگر باشید. مسلمان برادر مسلمان است؛ به برادر خود ستم نمی‌کند؛ دست از یاری و کمک او نمی‌کشد؛ او را تکذیب نمی‌کند؛ او را خوار و ذلیل نمی‌شمارد؛ این تقوا و پرهیزکاری است، و سه بار به سینه‌اش اشاره فرمود. برای انسان همین کافی است که برادر مسلمان خویش را حقیر و کوچک شمارد. خون و مال و شرف و ناموس هر مسلمان بر مسلمان دیگر حرام است».

حدیث ۳۶

از ابی هریره رضی الله عنه روایت است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «مَنْ نَفَسَ عَنْ مُؤْمِنٍ كُرْبَةً مِنْ كُرْبِ الدُّنْيَا، نَفَسَ اللَّهُ عَنْهُ كُرْبَةً مِنْ كُرْبِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَمَنْ يَسَّرَ عَلَى مُعْسِرٍ، يَسَّرَ اللَّهُ عَلَيْهِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَمَنْ سَتَرَ مُسْلِمًا سَتَرَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَاللَّهُ فِي عَوْنِ الْعَبْدِ مَا كَانَ الْعَبْدُ فِي عَوْنِ أَخِيهِ، وَمَنْ سَلَكَ طَرِيقًا يَلْتَمِسُ فِيهِ عِلْمًا، سَهَّلَ اللَّهُ لَهُ بِهِ طَرِيقًا إِلَى الْجَنَّةِ، وَمَا اجْتَمَعَ قَوْمٌ فِي بَيْتٍ مِنْ بُيُوتِ اللَّهِ، يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَيَتَدَارَسُونَهُ بَيْنَهُمْ، إِلَّا نَزَلَتْ عَلَيْهِمُ السَّكِينَةُ، وَعَشِيَّتُهُمُ الرَّحْمَةُ، وَحَفَّتْهُمُ الْمَلَائِكَةُ، وَذَكَرَهُمُ اللَّهُ فِيمَنْ عِنْدَهُ، وَمَنْ بَطَأَ بِهِ عَمَلُهُ لَمْ يُسْرِعْ بِهِ نَسَبُهُ»^(۱).

«کسی که از برادر مؤمن خود یک سختی و دشواری را در دنیا بر طرف کند، خداوند یک دشواری و سختی روز قیامت او را رفع می‌کند. کسی که بر فقیر و بینوایی آسان بگیرد، خداوند در دنیا و آخرت بر او آسان خواهد گرفت. کسی

۱- رَوَاهُ مُسْلِمٌ هَذَا اللَّفْظَ.





که بدی و زشتی مسلمانی را پنهان کند، خداوند در دنیا و آخرت، بدی و زشتی او را می‌پوشاند [این زشتی و بدی برای کسانی است که دارای کارها و مناصب بزرگ هستند، از قبیل امیران که به فساد مشهور نیستند و ممکن است اتفاقی آن را انجام داده باشند؛ البته در صورت انجام آن کار. ولی اگر در حال انجام زشتی دیده شود، باید منع شود و اگر توانایی بازداشتن از آن کار زشت وجود نداشت، به فرمانروا و حاکم شهر شکایت نمود] و کسی که قدمی در آموختن علم بردارد، خدا راه بهشت را بر او آسان گرداند، و هرگاه گروهی از مردم در خانه‌ای از خانه‌های خدا [مساجد] گرد آیند تا قرآن بخوانند و درس‌های قرآن را به هم بیاموزند، دل‌ها بر ایشان فرود آید، و مهر و محبت و رحمت خداوندی بر آنان فراگیرد، و فرشتگان آنان را در برگیرند، و خداوند آنان را به کسانی که نزد او هستند یاد کند، و کسی که عمل و کردارش بر او پیشی گرفت و او را به دنبال انداخت، به یقین نسب و قبیله‌اش او را به جلو نمی‌برد».

حدیث ۳۷

از عبدالله بن عباس رضی الله عنهما از رسول اکرم صلی الله علیه و آله در حدیث قدسی از خداوند تبارک و تعالی روایت است که خداوند فرمود: «إِنَّ اللَّهَ كَتَبَ الْحَسَنَاتِ وَالسَّيِّئَاتِ، ثُمَّ بَيَّنَّ ذَلِكَ: فَمَنْ هَمَّ بِحَسَنَةٍ فَلَمْ يَعْمَلْهَا كَتَبَهَا اللَّهُ عِنْدَهُ حَسَنَةً كَامِلَةً، وَإِنْ هَمَّ بِهَا فَعَمِلَهَا كَتَبَهَا اللَّهُ عِنْدَهُ عَشْرَ حَسَنَاتٍ إِلَى سَبْعُمِائَةٍ ضِعْفٍ إِلَى





أَضْعَافٍ كَثِيرَةٍ، وَإِنْ هُمْ بِسَيِّئَةٍ فَلَمْ يَعْمَلْهَا كَتَبَهَا اللَّهُ عِنْدَهُ حَسَنَةً كَامِلَةً، وَإِنْ هُمْ بِهَا فَعَمِلَهَا كَتَبَهَا اللَّهُ سَيِّئَةً وَاحِدَةً»^(۱).

«همانا خدا خوبی‌ها و بدی‌ها را نوشته است. پس هرکس قصد خوبی نمود و آن را انجام نداد، خداوند برای او نزد خود یک نیکی کامل می‌نویسد، و اگر قصد خوبی کرد و آن را به انجام رساند، خداوند نزد خود ده خوبی تا هفتصد برابر تا چند برابر بسیار برای او می‌نویسد، و اگر قصد بدی نمود و آن را انجام نداد، خداوند نزد خود برای او یک نیکی کامل می‌نویسد، و اگر قصد بدی نمود و آن را انجام داد، خداوند یک بدی برای او می‌نویسد». پس ای برادر بنگر- خدا ما و شما را به سوی لطف عظیم توفیق دهد- و در مورد این جملات خوب اندیشه کن. عبارت «نزد خود می‌نویسد» اشاره است به اهمیت آن و لفظ «نیکی کامل» برای تأکید آن عبارت و اهمیت بسیار آن است. و درباره «قصد بدی کردن ولی آن را انجام ندادن» فرمود: خداوند یک نیکی کامل برای او می‌نویسد و بر کلمه کامل تأکید نمود و اگر بدی انجام داد، یک بدی برای او می‌نویسد، و بر یک بدی تأکید نمود؛ بنابراین خدا را حمد و منت است- سبحانه و تعالی- که ستایش او را نتوانیم کرد؛ توانایی و توفیق در طاعت‌ها برای اوست.

حدیث ۳۸

ابوهریره رضی الله عنه از رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت می‌کند که فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَالَ: مَنْ عَادَى لِي وَلِيًّا فَقَدْ آذَنْتُهُ بِالْحَرْبِ، وَمَا تَقَرَّبَ إِلَيَّ عَبْدِي بِشَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيَّ مِمَّا

۱- رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَمُسْلِمٌ فِي صَحِيحَيْهِمَا بِهَذِهِ الْحُرُوفِ.





افْتَرَضْتُهُ عَلَيْهِ، وَلَا يَزَالُ عَبْدِي يَتَقَرَّبُ إِلَيَّ بِالتَّوَافِلِ حَتَّىٰ أَحِبَّهُ، فَإِذَا أَحَبَبْتُهُ كُنْتُ سَمْعَهُ الَّذِي يَسْمَعُ بِهِ، وَبَصَرَهُ الَّذِي يُبْصِرُ بِهِ، وَيَدَهُ الَّتِي يَبْطِشُ بِهَا، وَرِجْلَهُ الَّتِي يَمْشِي بِهَا، وَلَئِن سَأَلَنِي لِأَعْطِيَنَّهُ، وَلَئِن اسْتَعَاذَنِي لِأُعِيدَنَّهُ»^(۱).

«خداوند در حدیث قدسی می‌فرماید: کسیکه با دوست من دشمنی کند، با او اعلام جنگ می‌کنم، و بنده مؤمن با هیچ چیز محبوبی نزد من بهتر از فرایض با من نزدیک نمی‌شود، و او با انجام نوافل [عبادت‌های غیر واجب] به من نزدیک می‌شود تا این که من او را دوست بدارم، هنگامی که من او را دوست دارم، من گوش او می‌شوم که با آن می‌شنود، و چشم او می‌شوم که با آن می‌بیند، و دستش می‌شوم که با آن می‌گیرد، و پایش می‌شوم که با آن راه می‌رود؛ اگر چیزی از من بخواهد به او می‌دهم، و اگر پناه بخواهد پناهِش می‌دهم».

حدیث ۳۹

از عبدالله بن عباس رضی الله عنه روایت است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ تَجَاوَزَ لِي عَنْ أُمَّتِي الْخَطَأَ وَالنِّسْيَانَ، وَمَا اسْتَكْرَهُوا عَلَيْهِ»^(۲).

«خداوند به خاطر من از خطا و فراموشی امتم و آنچه بر آنها زور و اجبار شود، گذشت کرده است».

۱- رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ.

۲- حَدِيثٌ حَسَنٌ رَوَاهُ ابْنُ مَاجَهَ وَابْنُ أَبِي عَاصِمٍ وَغَيْرُهُمَا.



حدیث ۴۰

عبدالله بن عمر رضی الله عنهما روایت می کند که: «أَخَذَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ بِمَنْكِبِي فَقَالَ: كُنْ فِي الدُّنْيَا كَأَنَّكَ غَرِيبٌ أَوْ عَابِرُ سَبِيلٍ. وَكَانَ ابْنُ عُمَرَ رضی الله عنهما يَقُولُ: إِذَا أَمْسَيْتَ فَلَا تَتَنظَّرِ الصَّبَاحَ، وَإِذَا أَصْبَحْتَ فَلَا تَتَنظَّرِ الْمَسَاءَ، وَخُذْ مِنْ صِحَّتِكَ لِمَرَضِكَ وَمِنْ حَيَاتِكَ لِمَوْتِكَ»^(۱).

«رسول اکرم ﷺ دوش مرا گرفت و فرمود: در دنیا چنان باش که گویی غریب یا رهگذری هستی. عبدالله بن عمر رضی الله عنهما همیشه می گفت: وقتی شب شد، به انتظار صبح مباش، و وقتی بامداد بر تو آمد، به انتظار شب منشین؛ در موقع تندرستی و سلامتی، برای روزهای بیماریت توشه بگیر، و در زندگی برای مرگ و مردنت توشه فراهم کن.»

حدیث ۴۱

از ابی محمد عبدالله بن عمرو بن عاص رضی الله عنهما روایت است که رسول اکرم ﷺ فرمودند: «لَا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّىٰ يَكُونَ هَوَاهُ تَبَعًا لِمَا جِئْتُ بِهِ»^(۲).

«هیچ یک از شما ایمان نمی آورد تا این که هوای او پیرو آنچه باشد که من آورده ام.»

۱- رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ.

۲- حَدِيثٌ حَسَنٌ صَحِيحٌ رَوَيْنَاهُ فِي كِتَابِ الْحُجَّةِ بِإِسْنَادٍ صَحِيحٍ.



حدیث ۴۲

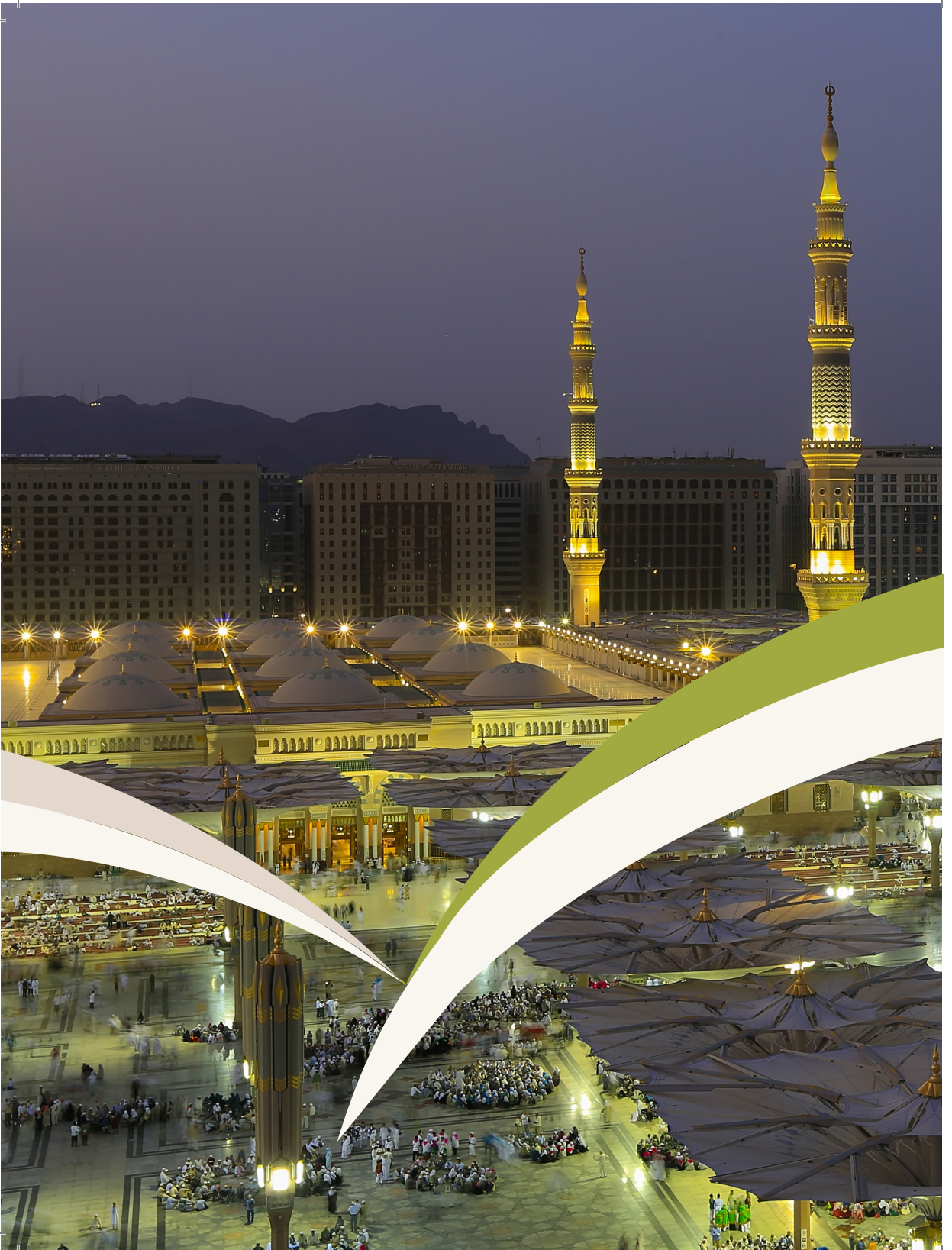
انس رضی الله عنه گوید: شنیدم رسول اکرم صلی الله علیه و آله از قول باری تعالی می فرماید:

«قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: يَا ابْنَ آدَمَ، إِنَّكَ مَا دَعَوْتَنِي وَرَجَوْتَنِي، غَفَرْتُ لَكَ عَلَى مَا كَانَ مِنْكَ وَلَا أُبَالِي، يَا ابْنَ آدَمَ، لَوْ بَلَغَتْ ذُنُوبُكَ عَنَانَ السَّمَاءِ ثُمَّ اسْتَغْفَرْتَنِي، غَفَرْتُ لَكَ، يَا ابْنَ آدَمَ، إِنَّكَ لَوْ أَتَيْتَنِي بِقُرَابِ الْأَرْضِ خَطَايَا، ثُمَّ لَقَيْتَنِي لَا تُشْرِكُ بِي شَيْئًا، لَأَتَيْتُكَ بِقُرَابِهَا مَغْفِرَةً»^(۱).

«ای بنی آدم، هرگاه مرا می خوانی و به من امید داری، تو را بر آنچه بوده [یعنی به خاطر اعمال] می آمرزم و از تو پروایی ندارم. ای فرزند آدم، اگر گناهان تو به ابرهای آسمان برسد و آنگاه از من طلب آمرزش کنی، تو را می آمرزم و گناهان تو را خواهم بخشید. ای انسان، اگر به سوی من آیی در حالی که زمینی پر از گناه و خطا داری ولی به من شرک نیاوردی، من با زمینی پر از مغفرت و بخشایش به سوی تو می آیم.»

۱- رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَقَالَ: حَدِيثٌ حَسَنٌ صَحِيحٌ.





IslamHouse.com

 IslamHouseFa

 IslamHouseFa

 islamhouse.com/fa/

 IslamHouseFa

For more details visit

www.GuideToIslam.com




contact@mowahedin.com

contact us :Books@guidetoislam.com

 GuidetoIslam.org

 [GuidetoIslam1](https://twitter.com/GuidetoIslam1)

 [GuidetoIslam](https://www.youtube.com/GuidetoIslam)

 www.GuidetoIslam.com



المكتب التعاوني للدعوة وتوعية الجاليات بالربوة

هاتف: +٩٦٦١١٤٤٥٤٩٠٠ فاكس: +٩٦٦١١٤٩٧٠١٢٦ ص ب: ٢٩٤٦٥ الرياض: ١١٤٥٧

ISLAMIC PROPAGATION OFFICE IN RABWAH

P.O.BOX 29465 RIYADH 11457 TEL: +966 11 4454900 FAX: +966 11 4970126